****

[ادامه بررسی حکم شک در اشواط سعی 1](#_Toc488169137)

[موضوع قاعده فراغ، فراغ حقیقی است یا مسامحی؟ 1](#_Toc488169138)

[دو اشکال در کلام محقق خویی ره 2](#_Toc488169139)

[اشکال اول 2](#_Toc488169140)

[اشکال دوم 3](#_Toc488169141)

[**(مسألة 348)** 4](#_Toc488169142)

[**(مسألة 349)** 5](#_Toc488169143)

[حکم شک در اثناء سعی 5](#_Toc488169144)

**موضوع**: احکام سعی /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بررسی حکم شک در اشواط سعی

### موضوع قاعده فراغ، فراغ حقیقی است یا مسامحی؟

مرحوم نائینی فرموده همین که شخص منصرف از سعی شود، فراغ از سعی صدق می کند، ولو در عمل دیگری داخل نشده باشد، اما محقق خوئی فرموده موضوع قاعده فراغ، فراغ حقیقی است و نه عنوانی و شاهدش این که اگر این شخص که سعی را به مروه رسانده و بیرون از مسجد آمده و شک کند که آیا 5 شوط انجام داده یا 7 شوط و بعد از مدتی یقین به نقصان کند، عرف می گوید هنوز فارغ نشده و اگر هم شک کند، شبهه مصداقیه فراغ از سعی می شود، زیرا ظهور فراغ، در فراغ حقیقی است.

مرحوم حکیم به کسانی که موضوع قاعده فراغ را فراغ حقیقی می دانند، اشکال کرده که اگر فراغ حقیقی را احراز کنیم، دیگر مشکی باقی نخواهد ماند، زیرا فراغ حقیقی مساوق با صحت است و لذا ایشان موضوع قاعده فراغ را فراغ اعتقادی می داند، فراغ اعتقادی با فراغ انصرافی فرق می کند، فراغ اعتقادی آسان تر است، مثلا اگر شخص در مروه هم باشد و یک لحظه فکر کند که سعی تمام شده، فراغ اعتقادی حاصل شده، اما هنوز منصرف از عمل نشده است و عرفا صدق فراغ انصرافی نمی کند.

محقق خوئی به ایشان اشکال کرده که مقصود ما فراغ حقیقی از عمل صحیح که نیست، بلکه مقصود فراغ از ذات عمل است، اعم از صحیح و فاسد، کسی که موالات را مثلا در سعی شرط بداند و وقتی شک کند که دیگر موالات از بین رفته، آن سعی دیگر قابل تدارک نیست، زیرا فراغ حقیقی از سعی محقق شده است، یعنی اگر سعی ناقص هم بوده باشد، فراغ حقیقی حاصل شده، چون دیگر قابل تدارک نیست.

اما فراغ اعتقادی که شما می گویید، اصلا بر آن صدق عرفی فراغ نمی کند، بلکه توهم فراغ است، لذا محقق خوئی قائل است که فراغ حقیقی از عمل یا به این است که جزء اخیر عمل آورده شود و در دیگر اجزاء شک شود، مثل این که در نماز بعد از سلام شک کند و یا به این است که موقعی شک شود که نماز دیگر قابل تکمیل نباشد، مثلا بعد از ایجاد منافی و احداث حدث، در سلام یا سجدتین رکعت اخیره شک کنیم.

#### دو اشکال در کلام محقق خویی ره

این فرمایش محقق خوئی دو اشکال دارد، اصل فرمایش ایشان که فراغ اعتقادی فراغ نیست، صحیح است، اما دو اشکال بر کلام ایشان وارد است،

##### اشکال اول

 اشکال اول این که موضوع قاعده فراغ، فراغ نیست، بلکه مضی العمل است، بله، یک روایت می گوید اذا شککت فی صلاتک بعد ما تفرغ فامض و لاتعد، اما مفهوم که ندارد که اگر جایی فراغ صادق نبود، قاعده فراغ جاری نشود، در عمده ادله، عنوان مضی اخذ شده است و عرفا صدق می کند که این شخص در عمل گذشته شک کرده، مثلا در همان مثال غسل جنابت بعد از این که از حمام بیرون آمد و نیم ساعتی هم گذشت که انصراف عرفی قطعا صادق است، شک می کند که آیا غسل کامل شده یا نه، در این فرض عرفا می گویند در غسل گذشته شک کرده است و اگر هم معلوم شود که ناقص بوده، می گوید معلوم شد که غسل گذشته خودم را ناقص انجام داده ام و چنین نیست که العمل الماضی صدق نکند، مهم صدق مضی عمل است و نه صدق فراغ.

حتی خود محقق خوئی در مباحث فروع اجمالی فرموده موضوع قاعده فراغ، مضی العمل است که در این جا هم صادق است.

لذا به نظر ما فراغ انصرافی برای تحقق عنوان مضی العمل کافی است کما عن المحقق النائینی.

##### اشکال دوم

اشکال دوم این است که فرضا موضوع قاعده فراغ، فراغ باشد و فراغ انصرافی، فراغ حقیقی نباشد، اما در تطبیقات ایشان اشکال وجود دارد، ایشان فرمود اگر موالات عرفیه در سعی ترک شود، دیگر این سعی قابل تدارک نیست، اشکال ما این است که اگر سهوا فوت موالات عرفیه بعد از شوط رابع بشود، ایشان آن را قابل تدارک می داند بر اساس صحیحه سعید بن یسار، پس کشف می کنیم که در فرض نسیان، موالات عرفیه بعد از شوط چهارم معتبر نیست و کسی که مثلا دو روز بعد شک در عدد اشواط سعی کرده و تقصیر هم نکرده است، سعیش قابل تدارک است، و موالات عرفیه شرط نیست. (احتمال عمد که نمی دهد، و گرنه در موارد احتمال ترک عمدی، در جریان قاعده فراغ اشکال کرده اند)

در موارد دیگر مثل غسل جنابت هم نباید به طور مطلق بگویند چون موالات عرفیه معتبر نیست، هر کسی در جزء اخیر شک کند، باید تدارک کند، چرا که محلش همیشه باقی است، بلکه باید قید بزنند به این که ما دامی که شک بعد از حدث اصغر نباشد، بلکه قبل از آن باشد، زیرا به نظر ایشان حدث اصغر در اثناء غسل جنابت، مبطل است و اگر غسل جنابت ناقص باشد، دیگر قابل تدارک هم نیست.

البته ایشان قید خوب دیگری در خصوص غسل جنابت زده، و فرموده صحیحه زرارة می گوید وَ عَنِ الْمُفِيدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ تَرَكَ بَعْضَ ذِرَاعِهِ- أَوْ بَعْضَ جَسَدِهِ مِنْ غُسْلِ الْجَنَابَةِ- فَقَالَ إِذَا شَكَّ وَ كَانَتْ بِهِ بِلَّةٌ- وَ هُوَ فِي صَلَاتِهِ مَسَحَ بِهَا عَلَيْهِ- وَ إِنْ كَانَ اسْتَيْقَنَ رَجَعَ فَأَعَادَ عَلَيْهِمَا مَا لَمْ يُصِبْ بِلَّةً- فَإِنْ دَخَلَهُ الشَّكُّ وَ قَدْ دَخَلَ فِي صَلَاتِهِ- فَلْيَمْضِ فِي صَلَاتِهِ وَ لَا شَيْ‌ءَ عَلَيْهِ- وَ إِنِ اسْتَيْقَنَ رَجَعَ فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْمَاءَ- وَ إِنْ رَآهُ وَ بِهِ بِلَّةٌ مَسَحَ عَلَيْهِ وَ أَعَادَ الصَّلَاةَ بِاسْتِيقَانٍ- وَ إِنْ كَانَ شَاكّاً فَلَيْسَ عَلَيْهِ فِي شَكِّهِ شَيْ‌ءٌ- فَلْيَمْضِ فِي صَلَاتِهِ.[[1]](#footnote-1)

لذا فرموده فراغ انصرافی کافی نیست، مگر در مورد این روایت.

در کلام ایشان مسامحه دیگری نیز وجود دارد مبنی بر این که بعد از تقصیر اگر در نقصان سعی شک کنیم، قاعده فراغ جاری می شود، اما این هم اشکال دارد، زیرا وقتی قاعده فراغ را قبل از تقصیر قبول ندارند، بعد از تقصیر قاعده تجاوز جاری می شود و نه قاعده فراغ، زیرا اگر ناقص باشد، سعی قابل تدارک است، چون تقصیر، محل تدارک سعی را مرتفع نمی کند، بلکه چون حج و عمره عمل ارتباطی است، و سعی هم به لحوق تقصیر مشروط است، قاعده تجاوز بعد از آن جاری می شود.

**(مسألة 348)**

**اذا شك- و هو على المروة- في أن شوطه الأخير كان هو السابع أو التاسع‌ فلا اعتبار بشكه و يصح سعيه. و إذا كان هذا الشك اثناء الشوط بطل سعيه و وجب عليه الاستئناف**.[[2]](#footnote-2)

**(مسألة 349)**

**حكم الشك في عدد الأشواط من السعي حكم الشك في عدد الاشواط من الطواف‌ فاذا شك في عددها بطل سعيه**.[[3]](#footnote-3)

## حکم شک در اثناء سعی

محقق خوئی فرموده شک در اثناء سعی مبطل سعی است، مگر در فرضی که بر روی مروه می داند هفت شوط بجا آورده است و لکن شک می کند که آیا بر هفت شوط زیاد کرده است یا نه و مثلا بین هفت و نه شک می کند، در این فرض شک مبطل نیست به بیان های مختلف:

یک بیان این است که دلیل ما بر بطلان سعی در صورت شک در عدد اشواط، صحیح سعید بن یسار است که می گوید اگر کسی یقین کرد که یک شوط بجا نیاورده و لکن نمی داند شش شوط بجا آورده یا کمتر، سعی او باطل است و اعاده سعی کند، لذا فرض این روایت، شک در نقیصه است: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) رَجُلٌ مُتَمَتِّعٌ- سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ سِتَّةَ أَشْوَاطٍ- ثُمَّ رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ وَ هُوَ يَرَى أَنَّهُ قَدْ فَرَغَ مِنْهُ- وَ قَلَّمَ أَظَافِيرَهُ وَ أَحَلَّ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ سَعَى سِتَّةَ أَشْوَاطٍ- فَقَالَ لِي يَحْفَظُ أَنَّهُ قَدْ سَعَى سِتَّةَ أَشْوَاطٍ- فَإِنْ كَانَ يَحْفَظُ أَنَّهُ قَدْ سَعَى سِتَّةَ أَشْوَاطٍ- فَلْيُعِدْ وَ لْيُتِمَّ شَوْطاً وَ لْيُرِقْ دَماً- فَقُلْتُ دَمَ مَا ذَا‌ قَالَ بَقَرَةٍ- قَالَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ حَفِظَ أَنَّهُ قَدْ سَعَى سِتَّةً- فَلْيُعِدْ فَلْيَبْتَدِئِ السَّعْيَ- حَتَّى يُكْمِلَ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ لْيُرِقْ دَمَ بَقَرَةٍ.[[4]](#footnote-4)

لذا در غیر از شک در نقیصه، قصور متقضی داریم که بگوییم هر شکی در عدد اشواط مبطل است، بلکه شک در نقیصه مبطل است، اما جایی که یقین به عدم نقیصه داریم و شک در زیاده داریم، مشمول صحیحه سعید بن یسار نیست و لذا اطلاق ادله سعی و اصل برائت می گوید سعی انجام گرفته، صحیح است.

و ممکن است گفته شود شارع گفته هفت شوط بجا آور و زیاد نکن، هفت شوط که قطعی است و عدم زیاده را با استصحاب اثبات می کنیم و ضم وجدان به اصل می شود.

بیان دوم این است که شک بالاتر از یقین که نیست، اگر کسی سهوا بیشتر سعی انجام دهد، و بعد یقین به زیاده پیدا کند، سعی او صحیح است، و فرض شک نیز چنین خواهد بود.

بیان سوم این است که به ارتکاز قطعی متشرعی، سعی اشد از طواف نیست و در صحیحه حلبی در رابطه با طواف آمده: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ- فَلَمْ يَدْرِ أَ سَبْعَةً طَافَ أَمْ ثَمَانِيَةً- فَقَالَ أَمَّا السَّبْعَةَ فَقَدِ اسْتَيْقَنَ- وَ إِنَّمَا وَقَعَ وَهْمُهُ عَلَى الثَّامِنِ فَلْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ.[[5]](#footnote-5)

در طواف فرموده وقتی هفت شوط را یقین داری و شک در زیاده داری، طواف صحیح است، سعی هم که حکمش اشد از طواف نیست.

محقق خوئی الغاء خصوصیت نکرده، بلکه فرموده عموم تعلیل سعی را نیز شامل می شود، و ذیل روایت تعلیل است.

اما به نظر ما این تعلیل نیست، بلکه امام علیه السلام در طواف در شک بین هفت و هشت فرموده به هفت شوط که یقین دارد و در مازاد شک دارد و نباید اعتناء کند، این که تعلیل نیست تا عمومش شامل سعی هم بشود.

1. وسائل الشيعة؛ ج‌2؛ 260؛ 41 باب عدم وجوب إعلام الغير بخلل في الغسل و حكم من نسي بعض العضو أو شك فيه ؛ ج 2، ص : 259 [↑](#footnote-ref-1)
2. مناسك الحج (للخوئي)، ص: 152‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 152‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/150) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص492، أبواب أن من ظن تمام السعی فقصر...، باب14، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/492/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%B9%DB%8C) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص368، أبواب أن من شک بین السبعة و مازاد فی الطواف...، باب35، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/368/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%B9%DB%8C) [↑](#footnote-ref-5)